

## Investigating the Health of Children's Personality in the Educational Methods of the Holy Quran

### ARTICLE INFO

*Article Type*  
Research Article

#### Authors

Mohammad Ali Moslehnezhad<sup>1</sup>  
Afzal Boluki<sup>2\*</sup>

#### How to cite this article

Mohammad Ali Mosleh Nejad, Afzal Boluki, Investigating the Health of Children's Personality in the Educational Methods of the Holy Quran, *Journal of Quran and Medicine*. 2021; 6(2): 1-7.

1. Faculty member, Department of Islamic Education, Sistan and Baluchestan University, Sistan and Baluchestan, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Sistan and Baluchestan University, Sistan and Baluchestan, Iran (Corresponding Author).

#### \* Correspondence:

Address:  
Phone:  
Email: boluki@lihu.usb.ac.ir

#### Article History

Received: 2021/05/10  
Accepted: 2021/06/30  
ePublished: 2021/09/22

### ABSTRACT

**Purpose:** The aim of this study was to investigate the health of children's personality in the educational methods of the Holy Quran.

**Materials and Methods:** The present study was written by descriptive-analytical method.

**Findings:** By explaining the subject and its important achievements from the perspective of the Holy Quran, the necessity and importance of the present study becomes clear. They have provided.

**Conclusion:** According to the findings, the results showed that perseverance and not despair of raising children, gradual observance in education, attention to meeting their needs, creating a sense of security, peace and unconditional love, are essential points in education that in The Holy Quran has dealt with it.

**Keywords:** Psychology, Educational Methods, Quran, Children.

## بررسی سالم سازی شخصیت کودکان در روش‌های تربیتی قرآن کریم

محمدعلی مصلح نژاد<sup>۱</sup>

عضو هیأت علمی، گروه معارف اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان و بلوچستان، ایران.

افضل بلوکی<sup>۲\*</sup>

استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان و بلوچستان، ایران (نویسنده مسئول).

### چکیده

**هدف:** هدف از پژوهش حاضر بررسی سالم سازی شخصیت کودکان در روش‌های تربیتی قرآن کریم بود.

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی نگاشته شد.

**یافته‌ها:** با تبیین موضوع و دستاوردهای مهم آن از منظر قرآن کریم، ضرورت و اهمیت پژوهش حاضر روشن می‌شود که از جمله نتایج حاصل، توجه به این نکته است که ربّ العالمین برای هدایت و تکامل انسان عنایتی ویژه داشته و روش‌های متنوعی برای تربیت آنان ارائه فرموده است.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به یافته‌ها نتایج نشان داد پشتکار و زود مایوس نشدن از تربیت فرزندان، رعایت تدریج در امر تربیت، توجه به تامین نیازهای آنان، ایجاد احساس امنیت، آرامش و محبت بدون شرط، از نکات ضروری در تربیت است که در قرآن کریم بدان پرداخته شده است.

**کلید واژه‌ها:** روان‌شناختی، روش‌های تربیت، قرآن، کودکان.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۹

\* نویسنده مسئول: boluki@lihu.usb.ac.ir

### مقدمه

برای تربیت و شکوفاسازی استعدادهای فرزندان روش‌های مختلفی وجود دارد که همه آنها باید مورد امعان نظر قرار گیرد. پس از فراهم آوردن زمینه‌های تربیتی اعم از انتخاب همسر شایسته و مراقبت‌های دوران بارداری و تغذیه مناسب و انتخاب محل مناسب برای زندگی، توجه به روش‌های تربیتی از اهمیت ویژه برخوردار است چون هر کاری راه و روش خاص خود را دارد و بدون آشنایی با روش‌های تربیتی و به کارگیری آن ثمری شایسته بر تربیت فرزندان حاصل نمی‌شود. درباره روش‌های تربیت، آیات و روایات زیادی وجود دارد مانند این که امام سجاد(ع) هر گاه می‌خواستند دعا کنند، کودکان خانه را جمع می‌کردند و می‌فرمودند: من دعا می‌کنم، شما آمین بگویید تا خدا به خاطر آمین شما دعای مرا مستجاب کند. اهمیت دادن به کودکان و مشارکت آنان در مسائل زندگی هموار نمودن مسیری ویژه جهت تربیت آنان می‌باشد. مادر این پژوهش به روش‌های متعدد تربیت فرزندان که عمدتاً از آیات و روایات استنباط شده است، می‌پردازیم و امیدواریم مورد اهتمام خانواده‌ها قرار گیرد.

۱- نقش الگوها در تربیت: یکی از روش‌های مهم تربیتی، روش الگویی است که به جای نصیحت کردن و موعظه کردن، تلاش می‌شود تا با رفتار و به صورت غیرمستقیم به فرزندان مان آموزش دهیم. به همین دلیل است که پیامبر اکرم(ص) فرمود: *كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ وَ لَا تَكُونُوا دُعَاةَ بِأَلْسِنَتِكُمْ*(۱)؛ مردم را با رفتار خود ارشاد و تربیت کنید نه با زبان‌های خود. این شیوه تربیتی، همان تربیت خاموش و غیرمستقیم است که بر تربیت کلامی و مستقیم ترجیح دارد. گاهی اوقات دوستان، نقش الگویی دارند و تأثیرپذیری از دوستان بسیار است؛ پس باید در انتخاب دوستان مناسب، از همان دوران اولیه کودکی به فرزندان کمک کنیم. پدر و مادر اولین کسانی هستند که نقش الگویی دارند، و کودکان چند سال اول زندگی خود را با پدر و مادر، مخصوصاً با مادر سپری می‌کنند و از آنان الگو برداری می‌نمایند و این روش یک روش عملی قلمداد می‌گردد؛ در نتیجه والدین باید تلاش کنند تا الگوهای مناسب و شایسته‌ای برای آنان باشند و مراقب رفتار و کردار خود باشند، برای همین است که قرآن کریم می‌فرماید: *أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ* (بقره، ۴۴)؛ آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خودتان را فراموش می‌کنید؟ و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف، ۲)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید چرا سخنی می‌گویید که عمل نمی‌کنید و در ادامه می‌فرماید: این موجب خشم خداوند است که سخنی بگویید و عمل نکنید. بنابر این پدر و مادر باید در درجه اول الگوهای سالمی باشند و در مرحله دوم، از الگوسازی فرد با افرادی نخبه و محبوب و با اخلاق غافل نشوند، افرادی که باعث سوق دادنشان به سوی مکارم اخلاق و پیشرفت تحصیل شده و توجه به آنان، سبب دوری از انحطاط و طرد الگوهای نامناسب می‌گردد. دانش روانشناسی به نقش تعیین‌کننده الگوها در تربیت تأکید می‌کند، همان‌گونه که قرآن کریم نیز به این امر توجه زیاد دارد. به عنوان مثال حضرت یوسف قهرمان مقاومت در مقابل شهوت، جوانان کهف اسوه‌های مهاجرت در راه خدا برای رشد و

و مسئولانه‌تر برخورد می‌کنند و در عمل به آنچه که در مشورت بدان نتیجه رسیده‌ایم، جدی‌تر خواهند بود؛ البته باید توجه داشته باشیم که مشورت با فرزندانمان با توجه سن و ظرفیت آنان باشد و مشورت با کودکان در هفت سال اول در رابطه با مسائل جزئی مربوط به آنان و به طور محدود، در باره انتخاب لباس، بازی و اسباب بازی، مثلاً پرسش از این که با کدام اسباب بازی، بازی کنیم، یا کدام‌یک از این بازیها را دوست داری یا کدام‌یک از این غذاها را دوست داری؛ اما در باره اموری مانند خرید خانه و مسائل کلان مشورت کردن با کودکان فایده ای ندارد. مشورت در هفت سال دوم مقداری پر رنگ‌تر می‌شود و اموری از قبیل نوع غذا، رنگ پرده اتاقش، انتخاب نوع ورزش و تفریح را شامل می‌شود. مشورت در هفت سال سوم، جدی‌تر است و در مسائلی مانند انتخاب رشته تحصیلی، نوع ورزش، مکان تفریح، محل سفر، رنگ پرده منزل، نوع غذا، چگونگی چیدمان دکوراسیون خانه و چیزهایی از این قبیل با فرزندان مشورت و هم‌فکری می‌شود.

جنبه دیگر مشورت این است که در تربیت فرزندان، از مشاوران و صاحب نظران کمک بگیریم و نظرات تربیتی آنان را جویا شویم؛ *مَنْ شَاوَرَ ذَوِي الْعُقُولِ اسْتَضَاءَ بِأَنْوَارِ الْعُقُولِ (۷)*؛ هر کس با خردمندان مشورت کند، از نور عقل آنان نور می‌گیرد. حضرت علی (ع) فرمود: مشورت چشمه هدایت است هر کس خود را از مشورت با دیگران بی‌نیاز بداند، خویشتر را به مخاطره افکنده است. (۸)

۴- حفظ نظم، آرامش و سلامت خانواده: برای این که فرزندان سالم و تربیت پذیر داشته باشیم، باید محیط زندگی و خانه را محلی امن، منظم، جذاب و زیبا بنا کنیم. اگر خانه محیطی شلوغ و ناامن و نامناسب باشد، قدرت جذب فرزندان را ندارد و آنان به هر بهانه‌ای به کوچه و مکان‌های بیرون خانه پناه می‌برند و همین امر زمینه ساز آسیب‌های تربیتی است؛ پس والدین تلاش کنند تا جلوه‌های نظم و زیبایی، اعم از زیبایی ظاهری و غیرظاهری مانند حاکمیت اخلاق و محبت و احترام را در خانه به وجود آورند تا موجب کشش فرزندان و حضور بیش‌ترشان در خانه باشد.

۵- قصه گوئی: داستان‌سرایی هنری زیباست که در انتقال تمدن، فرهنگ، و بیدار نگه داشتن فطرت پاک و وجدان سالم، تقویت حس شجاعت و جوانمردی، دین‌باوری و معنویت به فرزندان نقش‌آفرین است. قصه‌های آموزنده برای کودکان، ضمن این که مقداری از اوقات فراغت آنان را به نحو احسن پر می‌کند، آثار بسیار مفیدی دارد. کودکان مخصوصاً هنگام خواب از قصه لذت می‌برند، پس به این امر توجه کافی داشته باشیم و قصه‌هایی را که باعث تقویت اعتقادات، پرورش قوه تفکر و تربیت عواطف و ویژگی‌های اخلاقی مانند جوانمردی، نیکوکاری، ایثار و فداکاری آنان می‌شود، بگوئیم؛ البته با توجه به حوصله و ظرفیت آنان. داستان‌گوئی شیوه‌ای است که در عین جذابیت و همراه کردن شنونده با خود، زمینه‌ای عاطفی برای قبول اغراض داستان را فراهم می‌کند. قرآن کریم از داستان در جهت تربیت اخلاقی انسان‌ها فراوان، استفاده کرده است. داستان‌ها در همه مراحل سنی مفید و مورد توجه است؛ البته محتوای داستان باید متناسب با سطح اطلاعات شنوندگان باشد. (۹)

هدایت، اسماعیل نماد تسلیم در مقابل فرمان خدا و ابراهیم جوان، عادت شکن و بت شکن، ایوب قهرمان صبر، داود الگوی شجاعت و نمونه‌های دیگر که قرآن کریم به عنوان الگو معرفی نموده و اسوه حسنه همگان، حضرت رسول اکرم (ص) است. خداوند می‌فرماید: *أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدْيِهِمُ اقْتَدِهْ (انعام، ۹۰)*؛ آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده پس به هدایت آنان اقتدا کن. بیش‌ترین مشکلات موجود در تربیت کودکان و نوجوانان معمولاً از محیط خانه سرچشمه می‌گیرد. اگر کودکان در محیط خانه، دروغ، بدگویی، بی‌ادبی، خشونت، تجاوز به حقوق یک‌دیگر را مشاهده کنند، بذر این عیب‌های روحی و اخلاقی در ضمیر پاک آنان پاشیده می‌شود. فرزندان مانند درختانی هستند که در آب و خاک رشد می‌کنند و معمولاً متناسب با همان آب و خاک، میوه می‌دهند. (۲)

۲- تکریم و احترام: خداوند انسان را دارای نوعی کرامت ذاتی آفرید و این امر یکی از روش‌های مهم تربیتی است. قرآن کریم می‌فرماید: *لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ (اسراء، ۷۰)*؛ ما به فرزندان آدم کرامت بخشیدیم؛ کودک هرچند کوچک باشد، انسانی است دارای تمام قوای انسان‌های بزرگ که برخی به فعلیت رسیده و برخی بالقوه است؛ با این تفاوت که او پاک‌تر و مبرا از معاصی و آلودگی است و تکریم این موجود پاک و باصفا لازم است و در تربیت او تأثیر فراوان دارد. پیامبر اکرم (ص) فرمود: *أَكْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا (آدابهم، ۳)*؛ فرزندان خود را محترم بدارید و آداب آنان را نیکو سازید. احترام به کودک در ضمیر او تأثیری عمیق برجای می‌نهد و سپس در رفتارش بروز می‌کند؛ زیرا خود را صاحب احترام خواهد دانست و کسی که برای خود احترام قائل باشد، سعی می‌کند تا رفتار مناسب داشته باشد، کسی که احساس شخصیت و کرامت و بزرگواری کند، از ارتکاب عمل ناپسند و افعال زشتی که در شأن انسان ارزشمند نیست، خودداری می‌کند؛ اما کسی که احساس پستی و بی‌ارزشی نماید، از انجام عمل نادرست و از غوطه‌ور شدن در لجن‌زارهای گناه خودداری نمی‌کند. حضرت علی (ع) فرمود: *مَنْ كَرَّمَتْ عَلَيْهِ نَفْسَهُ لَمْ يَهْنَأْ بِالْمَعْصِيَةِ (۴)*؛ کسی که پیش خودش کریم و مثبت‌نگر باشد و چهره مثبتی از خود در ذهن داشته باشد، نفس خودش را با ارتکاب به معصیت و بزهکاری بی‌ارزش نمی‌کند. هم چنین فرمود: *مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنُ شَرَّهُ (۵)*؛ کسی که خود را خوار بداند، از شر او ایمن مباش. یکی از روان‌شناسان به نام آدلر معتقد است: کودکان عصبی و بی‌استعداد در بزرگسالی فاقد تعادل روانی‌اند، بزهکاری و انحراف جنسی و بیماری‌های روانی در اثر رنج از احساس نارسایی و ضعف خویش پدید می‌آید، احساس حقارت می‌تواند از تکامل طبیعی جلوگیری کند، وقتی که کودک چنین احساسی داشته باشد، قادر نیست بر ضعف و نارسایی خود غلبه کند. (۶)

۳- مشورت و مشاوره: مشورت در امور تربیتی دو جنبه دارد، گاه با کودک انجام می‌گیرد و گاه با افراد خبره و صاحب‌نظر. مشورت با کودکان در مسائل مختلف خانواده و مسائل مربوط به زندگی آنان، زمینه رشد و هدایت آنان را فراهم می‌کند، احساس بزرگی می‌کنند و چون خودشان را در امور تربیتی و تحصیلی و عبادی دخالت داده‌ایم و نظرشان را پرسیده‌ایم، احساس شخصیت می‌کنند

می‌خورد، به دروغ متوسل می‌شود و در نتیجه تکرار این گونه رفتارها به دروغ‌گویی عادت می‌کند. (۱۳) در این مواقع پدر و مادر و اولیای مدرسه باید مراقب نتیجه تربیتی رفتارشان باشند و از روی مهربانی و دوستانه، او را نصیحت کرده و نتایج بازی‌گوشی و بی‌نظمی را که منجر به نتایج نادرستی مانند شکستن شیشه می‌شود، برایش توضیح دهند. محیط خانه باید کانون رأفت و عطوفت باشد و والدین با مهر و مودت، فرزندان خود را پرورش دهند.

۸- تبشیر و انذار: اول تبشیر سپس در موارد کم‌تری انذار، تشویق و وعده‌های نیکو در تربیت کودکان تأثیر بیش‌تر داشته و آنان را برای انجام نیکی‌ها و پذیرش خواسته‌های مریبان آماده می‌کند. مراد از تبشیر این است که آنان را از پیامدهای مثبت و خوبی که در اثر انجام کارهای خوب پیش می‌آید، آگاه کنیم و مراد از انذار این است که آنان را متوجه پیامدهای ناگوار اعمال نادرست کنیم. مثلاً نتایج مطلوب درس خواندن و نتایج نامطلوب بی‌نظمی را تشریح نماییم.

۹- توجه به نیازهای طبیعی: پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: اگر نان نبود، نماز نمی‌خواندیم، روزه نمی‌گرفتم و واجبات پروردگار - عزّ و جلّ - را نمی‌توانستیم ادا کنیم. (۱۴) کَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كَفْرًا (۱۵): نزدیک است که فقر و ناداری به کفر بینجامد. مادامی که فردی در فشار نداشتن خوراک و پوشاک و مسکن باشد و نیازهای طبیعی‌اش برآورده نشود، مادامی که امنیت روحی و روانی انسان تأمین نباشد، اخلاق و تربیت بی‌تأثیر است، مخصوصاً نیاز به امنیت که شاید اساسی‌ترین نیاز انسان است؛ زیرا ترس و احساس ناامنی مانع بزرگی برای پیشرفت انسان است؛ همچنین موجب سستی و رکود اندیشه و مانع خلاقیت است؛ بنابراین والدین پیش از پرداختن به مسائل تربیتی کودکان خود به برآوردن نیازهای مادی و معنوی آنان توجه کنند. از نظر برخی از روان‌شناسان افراد سالم روی به نیازهای عالی دارند و تا زمانی که نیازهای پایین‌تر و زیستی او از قبیل نیازهای مادی و احساس امنیت‌شان برطرف نشود، به نیازهای عالی‌تر توجه نمی‌کنند. (۱۶)

۱۰- تشویق و تنبیه: تشویق برای کارهای خوبی که انجام می‌دهد باعث تثبیت و تقویت افعال خوب می‌شود و مقدم بر تنبیه است. تشویق و تنبیه باید حساب شده یعنی با رعایت اعتدال و به موقع باشد. افراط در تشویق و تنبیه، اثر آن را خنثی می‌کند. نباید فرزندان مان به این مقوله‌ها عادت کنند؛ بلکه اگر به موقع مورد تشویق قرار گیرند یا در معرض تنبیه باشند، اثر تربیتی فراوانی دارد. اگر هر بار پس از رفتار خوب پاداش بگیرند، میزان رفتارهای خوب کاهش می‌یابد، پس باید به طور متناوب - نه همیشه - انجام گیرد و در حضور جمع تأثیر بیش‌تری دارد. تشویق گاهی به این صورت است که توجه و محبت‌مان را نسبت به آنان بیش‌تر می‌کنیم و گاه آنان را با زبان، مورد تشویق قرار می‌دهیم و از آنان تشکر و قدردانی می‌کنیم و تعریف و تمجید می‌کنیم؛ البته باید توجه کنیم که به اختصار، مفید و به دور از چاپلوسی باشد. همچنین در تشویق، سعی شود از کارهای خوب او تمجید شود نه از شخص کودک. نکته دیگر این که تشویق فقط در برابر انجام کار خوب صورت نمی‌گیرد؛ بلکه برای ترک افعال ناشایست نیز توصیه می‌شود. شیوه سوم تشویق، تشویق عملی است؛ مانند جایزه دادن، گردش بردن، اجازه

۶- مسئولیت دادن: مسئولیت دادن باعث می‌شود تا کودک احساس بزرگی و شخصیت کند و به توانمندی‌های خود پی برده و وقتی می‌بیند دیگران به او اهمیت می‌دهند، تلاش کند تا اعتماد آنان را جلب نماید و این امر سبب رشد و تقویتشان می‌شود. یکی از راه‌هایی که برای ایجاد اعتدال در رفتار برخی از کودکان شلوغ و گاهی ناهنجار یا کودکان پیش‌فعال به کار می‌رود، همین شیوه است مثلاً دانش‌آموز بی‌انضباط را مسئول نظم و دانش‌آموزی که رعایت بهداشت را نمی‌کند، مسئول بهداشت مدرسه می‌گذارند. والدین می‌توانند، مسئولیت برخی از کارهای کوچک را به کودک خود بسپارند و خودشان نیز غیر مستقیم نظارت نمایند. باید حس مسئولیت‌پذیری را در کودکان تقویت کنیم چون وجود این حس در آنان مایه پیشرفت و تعالی و عدم وجود آن باعث سستی و کاهلی و عدم موفقیت آنان می‌گردد. پذیرش مسئولیت از جانب کودکان راهی برای ابراز شخصیت و تقویت‌کننده افکار و عقایدشان بوده و به آنان فرصت می‌دهد تا در برابر سختی‌ها و دشواری‌های مسئولیت خود تلاش نموده و راه حل مناسبی بیابند و همین امر باعث رشد و تثبیت موقعیتشان می‌شود.

۷- محبت و ورزی: کودک برای رشد کامل و متعادل شخصیت خود نیازمند محبت و همدلی است و تا آنجا که ممکن است باید تحت مراقبت و مسئولیت پدر و مادر خود و در هر حال در محیطی پر مهر و محبت و با تأمین اخلاقی و مادی پرورش یابد (۱۰). کودکان نیاز دارند تا مورد توجه و محبت پدر و مادر خود قرار گیرند و بدانند که خودشان بدون هیچ شرط و قیدی عزیز هستند نه به دلیل اینکه مثلاً دروسشان خوب است یا کار خوبی انجام می‌دهند، عزیزند. و هنگامی که کار ناشایستی انجام می‌دهند، والدین از آن عمل ناشایست بیزارند، نه از فرزندشان، باید آنان را متوجه کنیم که چون دوستشان داریم و پاره تن و ثمره زندگی ما هستند و برای ما عزیز و ارزشمندند، مراقبیم تا کم‌تر اشتباه کنند و به عزت و سربلندی برسند، چون اشتباهات، مانع پیشرفت هستند و به شخصیت آنان آسیب می‌زند، ناراحت می‌شویم. امام علی (ع) در وصیت نامه خود به امام حسن (ع) می‌فرماید: تو را که پاره تن من، بلکه همه جان منی، آن گونه که اگر آسیبی به تو رسد، به من رسیده است و اگر مرگ به سراغ تو آید، حیات مرا گرفته است؛ پس کار تو را کار خود شمردم و نامه‌ای برای تو نوشتم تا تو را در سختی‌های زندگی رهنمون باشد، من زنده باشم یا نباشم. (۱۱) این عزیز بودن و ارزش مندی باعث می‌شود تا خود را شخصیتی محبوب دانسته و احساس عزت نفس کنند. این احساس موجب می‌شود، مراقب رفتار خود باشند و آسان‌تر به خواسته‌های والدین گردن نهند. حضرت علی (ع) می‌فرماید: گاهی خداوند بنده‌اش را دوست می‌دارد ولی عمل بنده را نمی‌پسندد. (۱۲) البته در ابراز محبت از افراط و تفریط پرهیز کنیم. بدیهی است که ملایمت و مهربانی اولیاء، اطفال را برای تربیت نرم می‌کند و اما خشونت و سخت‌گیری بی‌مورد و بی‌جا باعث ترس و دلهره شده و گاهی اوقات برای رهایی از تنبیه، به دروغ و امثال آن متوسل می‌شوند؛ مثلاً وقتی که کودکی شیشه‌ای را می‌شکند، والدین از او می‌پرسند، تو شیشه را شکسته‌ای؟ اگر بدانند که در صورت راست‌گویی مورد خشم و غضب شدید والدین قرار می‌گیرد و سیلی

به دیگری پناه ببرد و او به نصیحت و اصلاح رفتار کودک بپردازد. روش تربیتی تشویق و تنبیه مورد نظر متون دینی ماست؛ در قرآن کریم آمده است: هر چه در آسمان‌ها و زمین است، از آن خداست؛ تا کسانی را که بد کرده‌اند، کیفر دهد و آنان را که نیکی کرده‌اند، پاداش دهد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: اصلاح نیکان با اکرام آنان و اصلاح بدکاران با تأدیب آنان میسر می‌گردد (۱۹).

و در جای دیگر فرمود: خدای سبحان پاداش را بر طاعت و کیفر را بر معصیت خود قرار داده است تا بندگانش را از عذاب خویش باز دارد و به سوی بهشت روانه سازد (۲۰). این سخنان حکمت‌آموز بیان می‌دارد که تنبیه و تشویق باعث می‌شود تا بندگان از گناه و خطا خودداری کنند و خاصیت مهم تنبیه، بازداری از عمل ناپسند است؛ یعنی پیامزد تا گناه نکند؛ نه اینکه پیامزد تا گناه کند و تنبیه شود. ۱۱- تمرین و عادت: حضرت علی (ع) می‌فرماید: الْعَادَةُ طَبْعٌ ثَانٍ؛ عادت، طبیعت و سرشت دوم است. برای تثبیت رفتارهای شایسته در کودکان، نیازمند تمرین و تکرار رفتارهاست تا به صورت عادت و ملکه در آمده و برای انجام آن به سختی نیفتند؛ مثلاً یک یا دو سال پیش از بلوغ، شروع به تمرین عبادت کنند، وقتی می‌خواهیم صدقه بدهیم به کودکان بدهیم تا آنان به دست خود بپردازند، غذایی به کودکان بدهیم تا به فقیر بدهند، از آنان بخواهیم کارهای کوچکی مانند بردن چند قاشق یا نمک‌دان سر سفره را انجام دهند، پس از غذا از خدا تشکر کنیم که نعمت بخشیده و مادر از پدر برای زحمتی که در تهیه و خرید کشیده تشکر کند و از کودک بخواهد از پدر تشکر کند و پدر از مادر تشکر کند که کارهای پخت و پز را انجام داده و از کودک بخواهد همین کار را انجام دهد. بعد از نماز مقداری برای دیگران مخصوصاً برای پدر و مادر و محرومان دعا کنند و کودکان این کار را مشاهده کنند یا در برابر آنان کمی قرآن بخوانند، تا آنان با این اعمال انس گرفته و آرام آرام عادت کنند. عادت دادن آنان به کارهای نیک باعث می‌شود، کارهای پسندیده برایشان به صورت ملکه در آمده و وقتی بزرگ می‌شوند، بدون زحمت انجام دهند. شاید به همین دلیل است که امام باقر (ع) می‌فرماید: محبوب‌ترین اعمال نزد خداوند - عزّ و جلّ - عملی است که بر آن مداومت کنند؛ اگر چه کم باشد. این روش از نظر روانشناسان مورد تأیید و تأکید است (۲۱). گاتری می‌گوید: یادگیری یک عمل به تمرین نیاز دارد، به نظر ما دلیل این امر آن است که عمل نتیجه‌ای به بار می‌آورد که تحت موقعیت‌های مختلف و به وسیله حرکت‌های مختلفی که متناسب با آن موقعیت‌ها هستند، حاصل می‌آیند. یادگیری یک عمل برخلاف یادگیری یک حرکت ماهیچه‌ای و عضلانی که با تداعی حاصل می‌شود، به تمرین نیاز دارد... دلیل این که چرا تمرین و تکرار زیاد برای یادگیری کامل مهارت‌ها ضروری است، این است که این مهارت‌ها نیاز دارند، حرکات خاص زیادی با موقعیت‌های محرکی فراوانی پیوند یابند (۲۲).

۱۲- تجامل و تغافل: همه ما در رفتارهای خود دچار اشتباهاتی می‌شویم، لازم نیست تا فرزندانمان مرتکب اشتباهی شدند، به رویشان بیاوریم و واکنش نشان داده یا آنان را مؤاخذه کنیم. ممکن است ناخواسته اشتباهی کنند و به اشتباهشان پی ببرند؛ مثلاً حرف زشتی

انجام بازی یا با دوستان مورد اعتماد بازی و تفریح کردن و چیزهایی از این قبیل. مراقب باشیم که تشویق شکل رشوه نگیرد و همچنین باعث خودستایی و تکبر وی نشود. از جمله آثار تشویق عبارتند از تقویت عزت نفس، کنترل، هدایت و تقویت رفتارهای مورد نظر، به وجود آمدن حس اعتماد به نفس، تحریک و تحریض درونی برای پیشرفت امور، بازخورد مثبت نسبت به اطرافیان، پاسخ به نیازهای طبیعی و جبران کمبودها و حقارت‌های عاطفی و اجتماعی. تنبیه تنها باید در مواردی نادر انجام گیرد و عادی نشود، امام علی (ع) می‌فرماید: زیاده روی در ملامت، آتش لجاجت را بر می‌افروزد (۱۷). تنبیه بدنی حتی الامکان صورت نگیرد مگر در موارد استثنایی. اساساً تنبیه بدنی در شأن آدمی نیست مگر آن که فرد به درجه‌ای از سقوط و ضعف قدرت عقلانی و تأثیرناپذیری تربیتی رسیده باشد، که هیچ کدام از روش‌های دیگر در تربیت او نتیجه بخش نباشد. به تعبیری آخر الدواء الکی؛ همان گونه که امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

لَا تَكُونَنَّ مِمَّنْ لَا تَنْفَعُهُ الْعِظَةُ إِلَّا إِذَا بَالَعَتْ فِي إِبْلَامِهِ فَإِنَّ الْعَاقِلَ يَنْعِظُ بِالْأَدَبِ وَالْإِهْمَامِ لَا تَرْتَدِعُ إِلَّا بِالضَّرْبِ (۱۸). از آن کسان مباش که اندرز در او سودی ندارد، جز با زیاده روی در سرزنش و رنجاندن او، همانا خردمند با ادب اندرز می‌گیرد و چهارپایان جز با زدن باز نمی‌ایستند.

البته برای تنبیه نیز مراحل وجود دارد، از قبیل این که نخست آنان را از پاداش محروم کنیم یا به خواهر و برادری که کارشان را درست انجام داده‌اند، پاداش دهیم. پاداش دادن به کسی که کار خوب انجام داده است، در برابر کسی که کار بدی کرده یا کارهای را درست انجام نداده، او را متوجه می‌کند. شیوه دیگر تنبیه جریمه کردن است، جریمه باید در حد توان باشد؛ چون قصد ما تربیت است نه آزار دادن؛ مثلاً نگذاریم بازی مورد علاقه‌اش را انجام دهد یا به جای دیدن برنامه کودک، اتاقش را مرتب کند، به جای تفریحی خاص که همیشه انجام می‌داد، بنشیند و نقاشی بکشد. شیوه سوم، توبیخ است به آنان نشان دهیم که از رفتارشان خشمگین و ناراحت هستیم، از آن‌ها توضیح بخواهیم و در صورت لزوم آنان را سرزنش کنیم. آخرین مرحله، تنبیه بدنی است که در صورت بی‌تأثیر بودن مراحل قبلی انجام می‌گیرد. به هیچ وجه مراد از تنبیه بدنی، صدمه زدن نیست، فرزندان ما باید چنان خود را صاحب عزت و احترام بدانند که دراز شدن دست والدین به سوی آن‌ها برای تنبیه، برایشان سخت گران باشد و آنان را از ارتکاب دوباره اشتباهی که به این گونه تعرض‌ها منجر می‌شود، باز دارد؛ چون اگر به کتک خوردن عادت کنند، یا والدین برای هر چیزی به تنبیه بدنی اقدام کنند، قبح این کار از بین می‌رود؛ پس کتک خوردن باید از نظر آنان زشت جلوه داده شود و بیاموزند که نباید کاری کنند تا به کتک خوردن بینجامد. نکات دیگری که باید در تنبیه مورد مذاقه قرار گیرد، عبارت از این است که در میان جمع صورت نگیرد، شرایط روحی و جسمی کودک در نظر گرفته شود، در تنبیه از تحقیر کردن او بپرهیزیم، بعد از تنبیه، کار ناشایست او را به رخش نکشیم و همچنین والدین با هم اقدام به تنبیه نکنند؛ بلکه هنگام تنبیه از جانب یکی از والدین به گونه‌ای زمینه‌سازی شود تا کودک

است که اعضای خانواده وقت مشترکی را برای باهم بودن و تعامل افکار و رفتار و برقراری روابط عاطفی در نظر بگیرند. در صورتی والدین می‌توانند در ترتیب دادن زمان مشترک برای حضور پدر و مادر و فرزندان در کنار یک دیگر موفق شوند، که برنامه‌ریزی درست و مناسب داشته باشند و در صورتی می‌توانند برنامه‌ریزی مناسب داشته باشند، که شرایط مناسب داشته باشند؛ از جمله این که دارای وضعیت اقتصادی نسبتاً خوبی باشند تا افراد خانواده بتوانند با آرامش بیشتر در وقت مشترک حاضر شوند. همچنین پدر و مادر نیاز به حضور در وقت مشترک برای خانواده را هر روز یا دو سه روز یک بار، درک کنند و بدانند که ترتیب دادن یک جمع صمیمی و دوستانه خانوادگی ضرورت دارد. در صورتی که این کار انجام شود، فرزندان احساس شخصیت کرده و با اعتماد به نفس، بسیاری از نیازهای آنان از جمله نیازهای عاطفی در کنار خانواده ارضاء می‌شود و برای این‌گونه نیازها به بیرون از خانواده دنبال جایگزین نمی‌گردند و در نتیجه راه‌های بزهکاری و ناهنجاری‌های دیگر به روی آنان بسته می‌ماند.

۱۵- موعظه در قالب گفتگوی صمیمانه: ارتباط کلامی نرم و آرام راهی مناسب برای انتقال آموزه‌های تربیتی به فرزندان است. اگر سخن گفتن همراه با بار عاطفی باشد، نافذتر است. در روایات آمده است: با بهترین صورتی که دوست دارید، دیگران با شما سخن بگویند، با آنان سخن بگویید. به خاطر تأثیر کلام نرم است که خداوند به حضرت موسی (ع) فرمود: با هارون نزد فرعون بروید او سرکشی کرده است و با او نرم و آرام سخن بگویید (طه، ۴۴). وقتی که خداوند برای دعوت فرد ستمگری مانند فرعون که ادعای خدایی دارد، نرمش را مطالبه می‌کند، حاکی از این است که اگر او به راه‌آمدنی باشد، راهش برخورد مثبت و مؤدبانه با بار عاطفی است.

#### نتیجه‌گیری

نکاتی را به عنوان نتیجه این مقاله بیان می‌کنیم. با صدای ملایم فرزند خود را به انجام کارهای خود فرمان دهید نه با فریاد و خشم. فرزند خود را با توجه به سن و ظرفیتش به انجام کارهای خوب و تکرار آنها عادت دهید تا ملکه وجودی آنان شود. محبت خود را صادقانه به فرزندان تان ثابت کنید و مرز محبت کردن و لوس کردن را نگه دارید. با حوصله، به پرسش‌های آنان پاسخ دهید هر چند تکراری و بیچه‌گانه باشد و وقتی پاسخ پرسشی را نمی‌دانید، پاسخ را ماهرانه به وقت دیگر موکول کنید تا از دیگران پرسید یا مطالعه کنید. نباید به تشویق و تنبیه عادت کنند. کودک باید علت تنبیه را بداند. پیش از سرزنش فرزندان بدانید که رفتار او خوب نیست، خودش خوب است؛ پس بعد از سرزنش به او بفهمانید که خودش را دوست دارید و دیگر سرزنش را ادامه ندهید. بهترین روشی که می‌توانیم فرزندانمان را به گوش دادن وادار کنیم، این است که به آن‌ها گوش کنیم.

بزنند و خود متوجه شوند و دیگر تکرار نکنند، نمره بد بگیرند و به جبران آن همت گمارند، در چنین مواردی خوب است خود را به تجاهل بزنیم و وانمود کنیم که متوجه نمره کم نشدیم یا حرف زشت را نشنیدیم و وانمود کنیم که متوجه کار ناپسند یا تبلی و کم کاری آن‌ها نشدیم و فرصت دهیم، خودشان جبران کنند؛ پس درست نیست به محض اینکه کار اشتباهی از آنان سرزد، آنان را مورد عتاب قرار دهیم یا آنان را بشانیم و شروع به نصیحت کنیم و یا حتی تذکر دوستانه دهیم و مثلاً بگوییم دل‌بندم می‌دانم نمی‌خواستی این‌طور بشود، نمی‌خواستی نمره کم بگیری، پیش آمد، سعی کن تکرار نکنی، بلکه وانمود کنیم، اصلاً متوجه نمره کم او نشدیم (مگر این که خودشان نمره‌شان را به شما نشان دهند)، اگر نمره کم آوردن چند بار تکرار شد، با آنان صحبت کنید. در مورد کارهای ناپسند دیگر نیز همین‌طور برخورد نمایید و بدانید با تذکرات پیوسته و بیجا، هم ارزش تذکرات خود را پایین می‌آورید و هم کرامت آنان را مورد تعرض قرار می‌دهید و در نتیجه اصلاحشان را دشوار می‌نمایید. امام صادق (ع) فرمود: عَظُمُوا أَقْدَارَكُمْ بِالْتَّعَافُلِ عَنِ الدَّنِيِّ مِنَ الْأُمُورِ (۲۳) با تغافل از امور جزئی، خودتان را بلند مرتبه و ارزشمند بدارید. امام علی (ع) فرمود: لَا عَقْلَ كَالْتَّجَاهِلِ (۲۴)؛ هیچ برخورد خردمندانه‌ای مانند تجاهل نیست.

خود را به غفلت زدن باعث می‌شود تا به کودکان فرصت جبران دهیم؛ البته اگر جبران نکردند بلکه مرتب به تکرار اشتباهات پرداختند، تذکر می‌دهیم.

۱۳- رعایت تدریج: یکی از اصول مهم تثبیت تربیت رعایت اصل تدریج است؛ یعنی برنامه تربیتی کودک هماهنگ با توان، و با توجه به سن و ظرفیت او تدارک شود. همان‌طور که رشد او به تدریج انجام می‌گیرد، مراحل تربیتی نیز تدریجی انجام گیرد. اگر بر پای نهالی نوپا بیش از اندازه آب بریزند غرق می‌شود، اگر خاک فراوان اطرافش ریزند، مدفون می‌گردد، دمای بیش از حد آن را می‌سوزاند، شخصیت افراد نیز به مرور زمان و آرام آرام شکل می‌گیرد قرآن کریم در پاسخ مشرکان که اعتراض می‌کردند که چرا قرآن به یک باره برای آنان نازل نشده است می‌فرماید: وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً (فرقان، ۳۲)؛ و کسانی که کافر شدند، گفتند: «چرا قرآن یک جا بر او نازل نشده است؟» این گونه [ما آن را به تدریج نازل کردیم] تا قلبت را به وسیله آن استوار گردانیم، و آن را به آرامی [بر تو] خواندیم.

علامه طباطبایی (ره) در تفسیر این آیه می‌فرماید: در چنین مکتبی بهترین راه برای تعلیم و کامل‌ترین طریق و راه تربیت این است که آن را به تدریج بیان نماید و هر قسمت آن را به حادثه‌ای اختصاص دهد که احتیاجات گوناگونی به آن بیان دارد و آنچه از معارف اعتقادی و اخلاقی و عملی که مرتبط با آن حادثه می‌شود بیان کند (۲۵).

همان‌گونه که رشد جسمی و فکری آنان به تدریج انجام می‌گیرد؛ در نتیجه با برنامه‌های بی‌موقع و افراطی مانع رشدشان نشویم.

۱۴- تأمین امنیت: منظور از تأمین امنیت، امنیت اقتصادی و امنیت روحی و امنیت خانوادگی است. یکی از راه‌های تأمین امنیت، این

15. Ibid, vol.5, P73.
16. Maslow, Abraham, (1988), *Angizesh Va Shakhshiat*, Ahmad Rezvani, Mashhad, Astan ghods Razavi, P101.
17. Al-Amodi Al-Tamimi, Abdul Wahed, *Ghorar al-Hekam and Dorar al-Kalem*, Beirut, Lebanon, Moassesat Al-aalami, Vol.1, P88.
18. Laithi Wasiti, Ali Ibn Muhammad, *Oyun Al- hekam Wa Al-mawaed*, Dar al-Hadith, Qom, Ch. 1, 1997, Vol.1, P84.
19. Majlisi, Mohammad Baqir, (1982), *Bihar Al-Anwar*, Beirut, Islamic Library, vol.77, P46.
20. Nahj al-Balaghah, hekmat 368.
21. Azarbayjani, Massoud and Daylami, Ahmad, (2006), *Akhlagh Islami*, Qom, Maaref Publishing, P205-207.
22. Hergenbahn, BR, (1995), *Moghadamaee Bar Nazariyehaye Yadgiri*, Ali Akbar Seif, Tehran, Dana, P275-277.
23. Tabarsi, Ali Ibn Hassan, (1925), *Meshkat Al-Anwar Fi Ghorar Al-Akhbar*, Najaf, Al-Maktabah Al-Haydariyah, P180.
24. Laithi Wasiti, Ali Ibn Muhammad, *Oyun Al- hekam Wa Al-mawaed*, Dar al-Hadith, Qom, Ch. 1, 1997, P531.
25. Tabatabai, Mohammad Hussein, (1996), *Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran*, Qom, Ch 5, *Daftar Entesharat Jameeh Modarresin*, hawzah Elmieh Qom, Vol.15, P211.

## References

The Holy Quran

Nahj al-Balaghah

1. Hemyari, Abdullah,(1992),*Ghorb Al-Esnad*, Qom, AaL al-bait Foundation, first edition, P77.
2. Haidari Naraghi, Ali Mohammad,(2006), *Waledain va Farzandan*, Third Edition, Qom, Mehdi Naraghi Publications, P80-81.
3. Noori Tabarsi, Razi al-Din Abi Nasr al-Hassan ibn Fadl, (1987), *Makarem Al-AKHLAGH*, Eleventh Edition, Beirut, Dar al-hawra, Vol.2, P625.
4. Tabarsi, al-Hassan ibn Fadl, (1991), *Makarem Al-Akhlagh*, Qom, Sharif al-radi, P339.
5. Majlisi, Muhammad Baqir bin Muhammad Taqi,(1983) *Bihar Al-Anwar*, Beirut, second edition, Vol.17, P365.
6. Adler, Alfred, (1991), *Ravanshenasi Fardi*, Hassan Zamani Sharafshahi, P59.
7. Khansari, Agha Jamal Mohammad Ibn Hussein, (1987), *Ghorar al-Hekam and Dorar al-Kalem*, University of Tehran - Tehran, fourth edition, Vol.5, P336.
8. Ibn Abi Al-Hadid, Izz al-Din, (1337), *Sharh Nahj al-Balaghah*, Ayatollah Marashi Najafi Public Library, Ch. 1, vol. 19, P31.
9. Azarbayjani, Massoud and Daylami, Ahmad, (2006), *Akhlagh Islami*, Qom, Maaref Publishing, P189.
10. Beheshti, Ahmad, *Islam va hoghooghe koodak*, Ch 2, Qom, *Daftare Tablighate Islami*, Bita, P100.
11. Nahj al-Balaghah, Nameh 31.
12. Ibid, Hekmat 154.
13. Haidari Naraghi, Ali Mohammad,(2006), *Waledain va Farzandan*, Third Edition, Qom, Mehdi Naraghi Publications, P74-75.
14. Kolaini, Mohammad Ibn Yaghoob, (2006), *Usul Kafi*, seventh Edition, OswaH Publications, vol.6, P287.